

سلام شاعر سوری به موشک‌های ایرانی

رئیس سازمان تبلیغات اسلامی در همایش «از ایران بخوان» گفت: یکی از مهم‌ترین ابعاد این جنگ، روایت مجاهدت‌ها است و یکی از بهترین ابزارها برای بیان این مجاهدت‌ها، شعر است.



رئیس سازمان تبلیغات اسلامی در همایش «از ایران بخوان» گفت: یکی از مهم‌ترین ابعاد این جنگ، روایت مجاهدت‌ها است و یکی از بهترین ابزارها برای بیان این مجاهدت‌ها، شعر است.

به گزارش خبرنگار مهر، همایش ادبی و هنری «از ایران بخوان» در پاسداشت شهدای هسته‌ای و علمی کشور، امشب با حضور جمعی از مسئولان، شاعران و با اجرای ارکستر سمفونیک صداوسیما در تالار وحدت برگزار شد.

در این برنامه که اجرای آن را نظام اسلامی برعهده داشت، حجت الاسلام محمد قمی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، خانواده شهدای هسته‌ای و علمی و نیز جمعی از شاعران ایرانی و خارجی حضور داشتند.

در ابتدای این برنامه و پس از قرائت کلام الله مجید توسط قاری بین المللی استاد عادل، ارکستر سمفونیک صداوسیما با حضور در روی صحنه، سرود ملی ایران را نواخت. ارکستر سمفونیک در ادامه دو قطعه به نام‌های «ای لشکر صاحب زمان! آماده باش، آماده باش» و «ای ایران! ای مرز پرگهر» را برای جمع اجرا کرد.

شعری با یاد شهدای علمی و دانشگاهی

سپس علیرضا قزوه، دبیر همایش از ایران بخوان گفت: امروز از شش تن از بزرگان علمی کشور تجلیل می‌کنیم، اما من قصد داشتم شعری بنویسم که نام تمام شهدای برجسته اخیر کشورمان در آن باشد. به همین خاطر غزلی نوشتم که تقریباً نام همه این عزیزان در آن آمده باشد.

وی افزود: امروز از چند کشور شاعر مهمان داریم و این عزیزان شعرهایی برای ایران می‌خوانند. از سوریه خانم ریم البیاتی، آقای ندیم سرسوی از هند، سیده تکتم حسینی از افغانستان و احمد شهریار از پاکستان.

قزوه در ادامه غزلی به شهیدان جنگ ۱۲ روزه کشورمان تقدیم کرد:

دل را رها ز دام مرید و مراد کن

هر کار می‌کنی همه با اعتقاد کن

ای عشق تو شهادت روز قیامتی

ما کشته‌ی توایم به ما اعتماد کن

ای دل‌چو با علی و محمد قرین شدی

یاد از علی محمدی زنده باد کن

مانند شهریار و ارسته آن مجید

با نفس خود به رسم بزرگان جهاد کن

تا خصم قصد دین تو، ملیت تو کرد

یادی ز داریوش رضایی نژاد کن
ما مصطفای احمدی روشن توایم
فردا به درد و غربت ما استناد کن
چون محسن دلاور ما فخرزاده کو
مانند او کم اند، خدایا زیاد کن
یک روز مثل مهدی طهرانچی شهید
با هرچه رفتنی ست بیا خیر باد کن
سید امیر فقهی ما با حسین بود
او را قرین حضرت زین العباد کن
عباسی عزیز! فریدون روزگار!
با خیل ماردوش یزیدی جهاد کن
یک جلوه از مجید تاجن جاری ایم ما
ما را رها چو چشمه از این انجماد کن
احمدرضای ما نفسش ذوالفقاری است
از این همه شهید علمدار یاد کن
مانند مینوی شو و عبدالحمید باش
فکری برای توشه ی روز معاد کن

ابعاد دیگر جنگ مغفول مانده که جنگ روایت ها یکی از آنهاست

در ادامه حجت الاسلام محمد قمی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی گفت: بیشتر به رسم ادب و عرض احترام در محضر خانواده های عزیز شهدا و شاعران اینجا مشرف شدم. خواهش کردم زمان صحبت من را در اختیار خانواده شهدا بگذارند، ولی گفتند خودم هم صحبت کنم.

حجت الاسلام قمی ادامه داد: شعر، شعور به اشتراک گذاشته شده و تبادل شده غنای این فرهنگ است؛ خصوصاً وقتی که می خواهد درباره دانشمندان مجاهدی که جزو برترین جرگه های عالم قرار گرفتند، سروده شود و به ویژه در زمانه ای که ما با یک جنگ ترکیبی مواجه هستیم. در این دوازده روز، به جنگی که دشمن ما با ما آغاز کرده، بعد نظامی هم اضافه شد و آتش بس ما تنها به جنگ نظامی تعلق گرفت. این جنگ ادامه دارد و آن ابعاد مهم دیگر این جنگ ترکیبی، گاهی مغفول می ماند.

حجت الاسلام قمی گفت: یکی از مهم ترین ابعاد این جنگ، روایت مجاهدت ها است و یکی از بهترین ابزارها برای بیان این مجاهدت ها، شعر است. شعر وقتی با حکمت همراه باشد تاثیرگذاری اش بیشتر می شود. اینکه شاعران در رسای ایران شعر می گویند و به برجستگی علمی دانشمندان مان می پردازند، خیلی شورانگیز است. این جای ذوق زدگی و تشکر و قدردانی دارد. یک بخشی از شعرهایی که در این مدت سروده شد، آن است که در محافل مذهبی و دهه های عزاداری محرم و صفر و اربعین در قالب نوحه ها می شنویم و استفاده می کنیم. شعرهایی که با مضمون های مرتبط با ایران عزیزمان نوشته شد و نوحه

های جان داری داشتیم؛ یعنی شعر قوی، نغمه و موسیقی واقعاً گوارا.

وی افزود: بخش اعظم این شعرها فارسی و بخشی از آن شعرهای ترکی و بلوچی و کردی و عربی بود. نوحه‌هایی سروده شد که خیلی زیبا و دل‌انگیز بودند و با محوریت ایران و شهدای ایران نوشته شده بودند. یکی از آنها گل سرسید شد، ولی این اتفاق به موج جذاب و شیرینی تبدیل شد. جا دارد که رسانه‌ها به آنها پردازند و آن نوحه‌ها و شعرها هم دیده شود. شعر به گونه‌های مختلفی در جامعه جولان می‌دهد و اثر می‌گذارد. هنوز هم امید داریم معجزه‌ها از شعر ببینیم؛ شعر درباره ایران و درباره شهدای ایران و شهدای مکتبی و دانشمندان شهیدمان. ان‌شالله این مسیری که در تکریم شهدا شروع شده، در یک روند شتابان کمک کند تا شعرهای ماندگاری در این مقطع تاریخ ببینیم.

شروع شعرخوانی‌ها؛ شاعر سوری: سلام به زمین ایران و موشک‌های ایران

«ریم البیاتی» شاعر اهل سوریه اولین شاعری بود که برای شعرخوانی دعوت شد و شعری به زبان عربی قرائت کرد. این شعر توسط مرتضی حیدری آل‌کثیر برای جمع ترجمه شد.

ریم البیاتی با تجلیل از مردم ایران، گفت: سلام بر زمین و رهبر و شهدای جمهوری اسلامی ایران. سلام بر علمی که با ساخت موشک‌ها، صهیونیست‌ها را ذلیل کرد. و سلام بر حاج قاسم سلیمانی و شهید حسن نصرالله. من از سوریه می‌آیم؛ سوریه‌ای که امیدوارم دوباره از دل این خاکسترها، بایستد و مقاومت دوباره در سوریه برخیزد. قصیده‌ای که می‌خوانم، در زمان جنگ ۱۲ روزه نوشته شده است. من آن روزها در لبنان حضور داشتم. آن شب‌ها مردم در ضاحیه نمی‌خوابیدند و نظاره‌گر حمله ایران به اسرائیل بودند. از جمله صحنه‌هایی که دیدم و باعث شد این شعر را بنویسم، حضور کودکی بود که بیدار مانده بود و دست خودش را دراز کرده بود و فکر می‌کرد می‌تواند آن موشک را بگیرد و بر قلب خودش بگذارد و اینگونه از کسی که این موشک را شلیک کرده است؛ تشکر کند. و سپس شعر خود را برای جمع قرائت کرد.

دومین شاعر علی محمد مؤدب بود. مؤدب گفت: در روزهای بمباران بیش از هر چیزی یادمان آمد که تهران، این شهر، چقدر عزیز و دوست‌داشتنی است. چشم‌ها و دل‌ها از چهارگوشه دنیا به سمت این شهر نگران بود. من شعری برای تهران می‌خوانم.

هوای تو آزادی و شادی است

زمین تو میدان آزادی است

تو در سایه سبز عبدالعظیم

پری از گل و خنده و یاکریم

پر از یاکریمی تو هر پنجره

پر از یاکریمی تو هر حنجره

تو ما را دل جست و جو داده‌ای

وزان جست و جو آبرو داده‌ای

تو آموختی رسم فریاد را

تو آتش زدی بیخ بیداد را

در آتش چو مشروطه خود سوختی

به ما درس آزادی آموختی

وطن خواهی از تو پرآوازه شد

به تو نام ایران زمین تازه شد
عدالت تو از حاکمان خواستی
ز شاهان تو این مُلک پیراستی
دماوند تصویر پاینده ات
بهار و مدرس نماینده ات
تو سهراب را شهر رؤیا شدی
پناه دل تنگ نیما شدی
تو جمع خراسان و گیلان شدی
تو آیینه حُسن ایران شدی
لر و ترک و کرد و عرب جمع شد
دماوندت این جمع را شمع شد
دماوندت آرامش جان ماست
نماد سر سربلندان ماست
همه با تو سبز و شکوفا شدند
چنین در تو من های ما، ما شدند
خمینی چراغ جماران توست
امام تو، پیر شهیدان توست
سلام تو اسلام را زنده کرد
امام تو این نام را زنده کرد
به جز تو از آن یار، دعوت که کرد
به سوگ امامش، قیامت که کرد؟
تو شهر شهیدان جاوید ما
تو در آخرین رزم امید ما
جهان محو تصویر توفانی ات
خداحافظی با سلیمانی ات

اگر چند گاهی دل آشفته ای

تو با شرق، از آسمان گفته ای

امید است نام شهیدان تو

تماشای لبخند چمران تو

امید است قاسم سلیمانی ات

امید است یار خراسانی ات

تو آوازه تازه مشرقی!

به تو گرم هر سو دل عاشقی!

دل گرم این مُلک و کشور تویی

تو تهرانی، امّید خاور تویی

ای حکیم عشق! ما محتاج تدبیر تویم

ندیم سرسوی از هندوستان شاعر بعدی بود که غزلی تقدیم به حضرت آیت الله خامنه ای قرائت کرد:

تیر آرش تیری از غیب است و ما تیر تویم

عاشقی از هند و پاکستان و کشمیر تویم

بعد از آن مردی که زنجیر غلامان را شکست

ما همه در عاشقی پابست زنجیر تویم

تا تو ایران منی، اسلام من پاینده است

پیروان راه اسلام جهانگیر تویم

ما همه شب تا سحر دست دعا مان با شماست

ما همه چشم انتظار فتح نخجیر تویم

دست تو بر مرکز دل های ما پرچم شده است

ما همه سرباز تو با تیغ و شمشیر تویم

خط تو آینه دار خط زهرا و علی است

ای حکیم عشق! ما محتاج تدبیر تویم

تیر آرش تیری از غیب است و ما تیر تویم

سپس احمد شهریار غزلی برای ایران خواند:

به تن زخم تبر دارد ولی از پا نمی افتد

درخت، ای بادها! خم می شود اما نمی افتد

چهل سال است هر شب نقشه هایی می کشند آنجا

ولی هیچ اتفاق تازه ای اینجا نمی افتد

از این پس هرکسی که بشنود لفظ شجاعت را

یقین دارم به یاد هیچکس جز ما نمی افتد

همان دشمن که می گفتی سخن از زور بازویش

بین حالا که از چشمت می افتد یا نمی افتد

که می گوید که هر بمبی که بر ایران بیندازی

شبیهِ و بدترش بر بندر حیفا نمی افتد؟

شما کودک کش و صهیونی و خون خوار می مانی

و نامی را که می خواهید هرگز جا نمی افتد

به بسترهایتان از دیدن سچیل ها زین پس

هراسی در هر غاصب بیگانه نمی افتد

و هر صهیونی ترسو که گم کرده است گورش را

مسیرش تا ابد به مسجد الاقصی نمی افتد

چه زیبا با زبان موج می گوید خلیج فارس

به پای فاضلابی چون شما دریا نمی افتد

در ادامه میلاد عرفان پور چند رباعی به هم پیوسته را به دانشمندان شهید تقدیم کرد:

بشکوه دژی است آسمان وار اینجا

عقل است زمین و عشق معمار اینجا

آمیخته خون این همه دانشمند

با خون نظامیان عیار اینجا

*

بر سردر دژ به خون نوشتیم و به جان

هرگز ره و رسم ما ندارد پایان

ایران به عقب بازنگردد هرگز

هرگز به عقب بازنگردد ایران

*

هم دانش و هم قوت بازو دارد

از شوق و امید برج و بارو دارد

ایران به هزار طرح نو غوغا کرد

با برنوی جنگی که به پهلو دارد

*

در آتش تهدید هراسان نشود

هر ناکس را دست به دامن نشود

بگذار بتازند ز هر سو دیوان

ایران دژ دانش است و ویران نشود

*

دیری است دل از مردم دنیا برده

خاکی است ولی به آسمان ها برده

هر گوشه ی این ارگ چهل سرو رشید

در خون رسته سر به ثریا برده

از یک تبار و خاک و وطن ماییم، یک روح در میان دو تن ماییم

بخش بعدی برنامه ها اجرای موسیقی بود و امیر تاجیک برای اجرای دو قطعه موسیقی به روی صحنه آمد.

شاعر بعدی سیده تکتم حسینی شاعر افغانستانی بود. حسینی غزلی برای ایران خواند:

هر موشکی به سمت تو می آمد اول میان خانه ی من افتاد

تا رودها به سقف تو باریدند آتش به جان خانه ی من افتاد

فصل بهار خانه ی همسایه سوی تو از اراضی بیگانه

از لابه لای نرده که سوز آمد برگ خزان خانه ی من افتاد
روح تناور تو بلایت شد، در حقت ای درخت! جنایت شد
دندان ازّه تیز برائت شد، آفت به نان خانه ی من افتاد
دیدند خوشه های نجیبت را، خندان و سرخ گونه ی سیبت را
فوج ملخ به مزرعه ات رو کرد، آفت به نان خانه ی من افتاد
از یک تبار و خاک و وطن ماییم، یک روح در میان دو تن ماییم
اشک فغان سوگ عزیزانت، از دیدگان خانه ی من افتاد
بامت بلند باد که در تاریخ هر گاه پتک های زیادی خواه
انداختند سقف و ستونت را، خانه به خانه، خانه ی من افتاد
دورت بگردم ای که چنین ماهی، ای سرزمین خنده و خونخواهی!
عمری شعاع روشن خورشیدت بر آسمان خانه ی من افتاد
سپس اعظم سعادتمند از شهر قم برای شعرخوانی دعوت شد. سعادتمند غزلی برای ایران خواند:

با رفتگرهای سحرخیز خیابانت
با شور و شوق هفت صبح دور میدانت
با حرف های رادیو در تاکسی هایت
با قبض های آب و برقت، قیمت نانت
کیف و کتاب و دفتر و نان و پنیر و سیب
با خنده های راه خانه تا دبستانت
با کارگرهای نجیب سخت مشغولت
در هرم تابستان و سرمای زمستانت
از روزهای سخت با قصد فراموشی
هی راه رفتن راه رفتن زیر بارانت
با عینک تحلیلگرهای سیاسی که
گویا خبر دارند از پیدا و پنهانت
با این سرود ملی در بادها افشان

با جلوه ی سبز و سفید و سرخ طوفانت

با رزم سرداران همواره کفن پوشت

در جنگل و دریا و در کوه و بیابانت

من می شناسم راه و رسم و خلق و خویت را

بیش از همه اما وطن جان با شهیدانت

تجلیل از خانواده شهدای هسته ای کشور

سپس حجت الاسلام نصیری از دوستان شهدای هسته ای و علمی کشور به سخنرانی درباره این شهدا پرداخت.

پایان بخش این مراسم تجلیل از خانواده شهدا بود که با حضور سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و حجت الاسلام محمد قمی از خانواده شهید مجید شهریار، خانواده شهید مسعود علیمحمدی، خانواده شهید داریوش رضایی نژاد، خانواده شهید فریدون عباسی، خانواده شهید طهرانچی و خانواده شهید تجن جاری تجلیل به عمل آمد.